

جریان حدیثی امامیه در بصره (عصر حضور)

سید اکبر موسوی تینیانی^۱

چکیده

این پژوهش، با هدف نشان دادن جریان حدیثی امامیه در بصره در عصر حضور ائمه (ع)، سامان یافته است. غایت نهایی این پژوهش، روشن ساختن زوایای پنهان و ناشناخته بخشی از تاریخ حدیث امامیه در شهر بصره می باشد. پرسش اساسی در این پژوهش، آن است که آیا جریان حدیثی امامیه در عصر ائمه (ع) در شهر بصره حضور داشته و فعال بوده است؟ پرسش یادشده با این فرضیه دنبال می شود که جریان حدیثی امامیه در دوران حضور ائمه (ع) در بصره، حضوری پُررنگ داشته است. به نظر می رسد که ریشه های جریان حدیثی امامیه در آن شهر به سده نخست هجری بازمی گردد؛ اما در اوایل سده دوم و با مهاجرت اصحاب امامی کوفه به بصره و نقش آفرینی آنان، جریان حدیثی امامیه در آنجا شکل گرفته و گسترش پیدا کرده و تا پایان دوران حضور نیز تداوم داشته است.

کلیدواژگان: امامیه، بصره، جریان حدیثی، خط حدیثی متهم به غلو.

درآمد

در عصر حضور ائمه (ع)، مدینه و کوفه به عنوان دو مرکز حدیثی امامیه مطرح بوده اند؛ چه آنکه ائمه و اصحاب، بیشتر در این دو شهر حضور و فعالیت داشته اند. البته افزون بر این شهرها، در سایر جوامع شیعی نیز کم و بیش در دوران حضور ائمه (ع) فعالیت های حدیثی انجام می گرفته است که یکی از آنها، شهر مهم بصره می باشد. این پادگان شهر که در دوره اسلامی بنا شده بود، در سده های نخستین از لحاظ فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی، بسیار بااهمیت و تأثیرگذار بوده است. در این شهر، گروه های

۱. دکترای شیعه شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث، رایانامه: tanyani_110@yahoo.com

مختلف مذهبی فعال بوده‌اند که در زمان حکمرانی امویان در سده نخست هجری، به یکی مهم‌ترین پایگاه‌های بنی‌امیه مبدل شد؛ تا جایی که آنجا را قطعه‌ای از سرزمین شام می‌گفتند. در همین دوره، جریان ضدّ اهل‌بیتی با مشخصه دشمنی با امام علی (ع) در بصره به وجود آمد که در تاریخ به «عثمانیه» معروف شده‌اند. عثمانی‌گرایان، از حمایت امویان برخوردار بودند و به شدت اصحاب امامیه و هواداران اهل‌بیت (ع) را تحت فشار قرار داده بودند. با همه این ناملازمات، حضور اقلیت شیعه در بصره در قرن اول هجری، قابل توجه است. باید افزود که در اوایل سده دوم هجری با قدرت‌گیری معتزلیان عقل‌گرا، رفته‌رفته از حضور و فعالیت عثمانی‌گرایان اهل حدیث در بصره کاسته شد و با گسترش فکری معتزلی، آتش عثمانی‌گرایان تندرو در بصره فروکش کرد و در این میان، فضا برای حضور امامیه در بصره بیش از پیش مهیا گشت؛ تا جایی که بعضی از اصحاب اجماع و محدثان نامدار امامی، در بصره مشغول فعالیت حدیثی شدند.

پرسش اساسی این پژوهش، آن است که آیا جریان حدیثی امامیه در عصرنامه (ع) در شهر بصره حضور داشته و فعال بوده است؟ همچنین، پاسخ به این پرسش‌ها در نوشتار حاضر حایز اهمیت است که: پیشینه جریان حدیثی امامیه به چه زمانی برمی‌گردد؟ آیا کوفیان امامی در کانون حدیثی امامیه فعال بوده‌اند؟ حضور و نقش‌آفرینی جریان حدیثی امامیه در بصره به چه میزان بوده است؟ این جریان، در چه بازه زمانی عصر حضور در بصره فعالیت داشته است؟

به نظر می‌رسد که جریان حدیثی امامیه در عصر حضور در بصره فعال بوده است و ریشه‌های آن، به سده نخست هجری بازمی‌گردد؛ اما در اوایل سده دوم و مهاجرت اصحاب امامیه کوفه به بصره و با نقش‌آفرینی کوفیان، جریان حدیثی امامیه در آن شهر شکل گرفت و گسترش یافت و تا پایان دوران حضور نیز تداوم داشت.

شناخت و بررسی جریان حدیثی امامیه در بصره به منظور تحلیل زوایای پنهان تاریخ امامیه، دارای اهمیت فراوانی است. با این حال، در مطالعات معاصر، چندان به تاریخ حدیث امامیه در بصره پرداخته نشده است و در آثاری که درباره تاریخ حدیث شیعه نگاشته شده، تنها در چند صفحه محدود به محدثان بصره به طور گذرا اشاره گردیده است. البته پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی مکتب حدیثی بصره تا پایان سده پنجم هجری» توسط آقای ابراهیم محبی در دانشگاه قم دفاع شده است که با توجه به عنوان آن، انتظار می‌رفت در آن فعالیت‌های جریان حدیثی امامیه در بصره به طور مبسوط مورد تحلیل و

بررسی قرار بگیرد؛ اما نویسنده محترم در آن نوشتار، صرفاً کاری توصیفی و آماری درباره راویان بصره ارائه داده است.

پیشینه جریان حدیثی امامیه در بصره

پیشینه جریان حدیثی امامیه در بصره را باید از زمان امام علی (ع) و در سده نخست هجری پی جویی کرد. به دلیل عدم جداسازی ملموس میان شیعه و غیرشیعه در آن دوران - تا زمان امام سجاده (ع) - به راحتی نمی توان از مرزبندی همه اصحاب ائمه در قالب شیعی و یا سنی سخن به میان آورد؛ با این حال، کسانی بوده اند که در سده اول به احادیث اهل بیت (ع) اقبال و توجه بیشتری نشان می داده اند؛ به ویژه آنکه این افراد از سوی مخالفان تشیع مورد طعن و نکوهش قرار گرفته اند. در پیشینه شناسی و ریشه یابی جریان حدیثی شیعه در بصره، ناگزیر باید از آنان یاد کنیم.

از پیشگامان جریان حدیثی شیعه در سده اول در بصره می توان از خلاس (حلاس) بن عمرو هجری (م. ح ۱۰۰ ق) نام برد. او را از جمله اصحاب فقیه امیر مؤمنان (ع) برشمرده اند.^۲ گفته شده که وی در زمره شرطه آن حضرت نیز قرار داشته است.^۳ رجال شناسان عامه، از خلاس بن عمرو با تعبیر «کثیر الحدیث» نام برده اند.^۴ او از صحابه، به ویژه از امام علی (ع) و عمار یاسر، حدیث آموخته بود.^۵ گفته شده وی کتاب و صحیفه ای از امام علی (ع) در اختیار داشته و از آن روایت می کرده است^۶ و از این رو، او را به عنوان «صحفی» متهم کرده اند؛^۷ چنان که بعدها برخی امام صادق (ع) را نیز با تعبیر «صحفی» تنقیص کردند.^۸

به هر روی، بسیار حایز اهمیت است که بعضی از اصحاب امام علی (ع)، صحیفه ای از احادیث آن حضرت را در اختیار داشته و در بصره آن را انتشار می دادند. جالب تر آنکه برخی مخالفان به سبب نقل خلاس هجری از صحیفه امام علی (ع)، منقولاتش را نپذیرفته، او را

۲. الرجال، طوسی، ص ۶۱؛ الأنساب، ج ۲، ص ۲۸۵؛ الاصابة، ج ۵، ص ۱۱۹.

۳. الضعفاء، ج ۲، ص ۲۹.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۱۴۹.

۵. سیر الاعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۹۱.

۶. الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۱۴۹؛ سیر الاعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۹۱.

۷. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۰۲؛ الکامل، ابن عدی، ج ۳، ص ۶۷.

۸. کافی، ج ۸، ص ۳۶۴؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۹.

طرد کرده‌اند.^۹ افزون بر این، عوف بن ابی جمیله اعرابی هَجْری (م. ۱۴۶ ق) که در منابع از او با عناوینی مانند «الإمام الحافظ» و «من علماء البصرة» یاد شده است،^{۱۰} از جمله راویان منقولات خَلاس هجری به شمار می‌رود.^{۱۱} روایات ابن ابی جمیله، در مصادر عامه قابل توجه است؛^{۱۲} با این حال، مخالفان با تعابیری چون: رافضی، شیطان و بدعی از او یاد نموده‌اند.^{۱۳} نکته قابل توجه آنکه ابن ابی جمیله اعرابی همانند خَلاس بن عمرو و رشید هجری که از اصحاب امام علی (ع) می‌باشد، از تبار هَجْری های یمن می‌باشد^{۱۴} و این موضوع، با گرایش های شیعی وی و استادش، خَلاس هجری، بی ارتباط نیست.

یکی از کسانی را که می‌توان در زمره متقدمین جریان حدیثی امامیه در بصره برشمرد، شخصی به نام «عمارة بن جویین بصری» (م. ۱۳۴ ق) معروف به ابوهارون عبدی می‌باشد. پدر او در نبرد نهروان همراه امیر مؤمنان (ع) بوده است؛^{۱۵} با این حال، فرزندش عمارة گرایش خارجی داشته که پس از چندی از مذهب خوارج دست برداشت و به تشیع گروید.^{۱۶} ابوهارون عبدی پس از بازگشت به تشیع، به عنوان یکی از سرسخت‌ترین محدثان هوادار امام علی (ع) در بصره مطرح بوده است^{۱۷} و به شدت با عثمان دشمنی می‌ورزیده و حتی او را کافر می‌دانسته است.^{۱۸} از این رو، مورد نکوهش مخالفان قرار داشته است. گفته شده که ابوهارون عبدی، کتابی از سخنان امام علی (ع)^{۱۹} به نام صحیفه الوصی در دست داشته است^{۲۰} که خودش آن را «کتاب حق» می‌نامید.^{۲۱} معلوم نیست که ابوهارون عبدی چگونه به

۹. العلیل، ج ۱، ص ۳۶۴؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۰۲.

۱۰. سیر الاعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.

۱۱. تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۳۴۷ و ۳۴۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۵۲.

۱۲. تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۲۴۷.

۱۳. الضعفاء، ج ۳، ص ۴۲۹. با این حال، برخی ادعا کرده‌اند که او از فضایل عثمان نیز روایت می‌کرده است. (تاریخ

ابن معین، ج ۲، ص ۱۱۲) اگر این ادعا واقعیت داشته باشد، باید گفت که عوف اعرابی برای خوشایند بصریان عثمانی‌گرا و متعصب، چنین روایاتی را نقل کرده است؛ وگرنه شیعیان، هرگز به فضایل عثمان تن در نمی‌دادند.

۱۴. الأَنساب، ج ۵، ص ۶۲۷.

۱۵. تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۵۷.

۱۶. الکامل، ابن عدی، ج ۵، ص ۷۸.

۱۷. همان، ص ۷۹. هموست که از ابوسعید خدری نقل می‌کند: «أما إنا كنا نعرف منافقينا بیغضهم علی بن ابی طالب.»

۱۸. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۷۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۶۲.

۱۹. قبول الأخبار، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲۰. المعجرو حین، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲۱. الضعفاء، ج ۳، ص ۳۱۴؛ قبول الأخبار، ج ۲، ص ۳۹۱.

این صحیفه دست پیدا کرده است. بعید نمی‌نماید که صحیفه یادشده از طریق خلاس هجری به وی رسیده باشد. او از جایگاه بالایی در عرصه حدیث برخوردار بوده است. بسیاری از عامه، ابوهارون عبدی را به دلیل شیعه بودنش تضعیف و تکذیب نموده‌اند و عموماً از نقل منقولات وی احتراز کرده‌اند؛^{۲۲} ولی با این حال، بعضی از بزرگان‌شان مانند سفیان ثوری، به نقل روایات او توجه نشان داده‌اند.^{۲۳} شگفت آنکه روایات زیادی از او در مصادر فعلی امامیه انعکاس نیافته است.

برخی از اصحاب امام باقر(ع) نیز در اواخر سده اول و اوایل سده دوم هجری، در بصره فعال بوده‌اند؛ از جمله آنها اسماعیل بن فضل نوفلی، از اصحاب موثق امامیه است که از تبار دودمان آل نوفل می‌باشد و در بصره ساکن بوده است؛^{۲۴} همو که امام صادق(ع) درباره‌اش فرموده است: «هو کهل من کهلنا و سید من ساداتنا».^{۲۵} شیخ طوسی نیز با تعبیر «ذوی البصیرة والاستقامة» او را ستوده است.^{۲۶} برادرش اسحاق بن فضل نوفلی هم در زمره اصحاب امام باقر(ع) قرار داشته است.^{۲۷} گمان می‌رود، وی نیز همانند برادرش در بصره سکونت داشته و در آنجا فعالیت حدیثی می‌کرده است. افزون بر این، فضیل بن یسار بصری از یاران مورد اعتماد امام باقر(ع)، در بصره حضور داشته است^{۲۸} که در ادامه، به فعالیت‌های حدیثی وی و خاندانش اشاره خواهیم کرد.

همچنین، ابوسفیان حرب بن سریج منقری،^{۲۹} از اصحاب امام باقر(ع) در بصره بوده و در آنجا احادیث آن حضرت را منتشر کرده است.^{۳۰} او با محدثان عامه بصره نیز ارتباط داشته است. از این رو، در منابع رجالی اهل سنت از او یاد شده است^{۳۱} و رجال‌شناسان سنی، برخی احادیث وی را غریب و منفرد توصیف کرده‌اند.^{۳۲} ابووهب سیف بن وهب تمیمی، از جمله

۲۲. قبول الأخبار، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲۳. الکامل، ابن عدی، ج ۵، ص ۷۹.

۲۴. الرجال، طوسی، ص ۱۲۴.

۲۵. خلاصة الأقوال، ص ۵۳ و ۵۴.

۲۶. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۲۶.

۲۷. الرجال، طوسی، ص ۱۲۵.

۲۸. همان، ص ۱۴۳.

۲۹. در منابع امامیه، با عنوان حارث بن شریح ضبط شده است. (ر.ک: الرجال، طوسی، ص ۱۳۲؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۳۷)

۳۰. العلل، ج ۲، ص ۲۸؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۵۰؛ الکامل، ابن عدی، ج ۲، ص ۴۱۸ و ۴۱۹.

۳۱. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۶۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۳۲. الکامل، ابن عدی، ج ۲، ص ۴۱۹.

راویان بصری امام باقر(ع) محسوب می‌شود.^{۳۳} او با ابوالطفیل عامر بن وائله - صحابه و طرف دار سرسخت امیر مؤمنان(ع) - ارتباط داشته و از وی نقل احادیث امام علی(ع) را درخواست می‌کرده است.^{۳۴} به احتمال زیاد، گرایش شیعی ابووهب بصری موجب شده تا رجال شناسان عامه او را تضعیف نمایند؛^{۳۵} تا جایی که یحیی بن سعید قطان درباره وی گفته است: «کان سیف هالکا من الهالکین».^{۳۶}

غیر از افراد یادشده، برخی دیگر از اصحاب امام باقر(ع) نیز در این بازه زمانی در بصره کم و بیش فعال بوده‌اند که در این زمینه می‌توان به: حارث بن مغیره نصری بصری،^{۳۷} خیشمه بن ابی خیشمه بصری،^{۳۸} خالد بصری،^{۳۹} حسن بن زیاد بصری^{۴۰} و مالک بن اعین جهنی بصری^{۴۱} اشاره کرد.

با این همه، نمی‌توان از یک جریان منسجم و فعال حدیثی شیعه در سده اول سخن به میان آورد؛ چراکه هنوز عثمانی‌گرایان ضد شیعه در این دوره، بسیار قدرتمند هستند و شرایط برای فعالیت‌های حدیثی نظام مند و پرورش شاگردان به طور گسترده، برای اقلیت شیعه فراهم نشده است.

مهاجرت اصحاب کوفی به بصره و فعالیت‌های حدیثی آنان

در آغاز سده دوم هجری به دلیل فعالیت‌های عقل‌گرایان معتزلی، به تدریج فضای عثمانی‌گرایی و ضد اهل بیتی در بصره فروکش کرد. در نتیجه، برخی از اصحاب سرشناس کوفی به بصره مهاجرت نمودند و در آنجا فعالیت‌های حدیثی و حتی کلامی خویش را پیگیری کردند. مهاجرت اصحاب کوفی، تقریباً از اوایل سده دوم هجری آغاز شده و تا اوایل سده سوم هجری نیز ادامه داشته است. حضور اینان با آغاز فعالیت‌های جریان کلامی معتزله در بصره، هم‌زمان بوده است. از این رو، شاید بتوان گفت فعالیت هم‌زمان اصحاب

۳۳. تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۳۳۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۶۲.

۳۴. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.

۳۵. المعنی فی الضعفاء، ج ۱، ص ۴۶۱.

۳۶. الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۲۷۵.

۳۷. الرجال، طوسی، ص ۱۳۲؛ الرجال، نجاشی، ص ۱۳۹.

۳۸. کافی، ج ۲، ص ۳۸؛ الضعفاء، ج ۲، ص ۲۹؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳۹. تاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۱۷۸؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۴۰. الرجال، طوسی، ص ۱۳۱.

۴۱. همان، ص ۱۴۵؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۷۸.

امامیه و عقل‌گرایان معتزلی، در تسریع افول و کم‌فروغی عثمانی‌گرایان در بصره تأثیرگذار بوده است. در منابع موجود، از اهداف مهاجرت اصحاب امامیه به بصره صراحتاً سخن به میان نیامده است؛ ولی با توجه موقعیت علمی و فرهنگی ویژه بصره، می‌توان گفت که اصحاب امامی کوفه برای علم‌پراکنی و نشر معارف اهل‌بیت (ع) بدانجا کوچیده‌اند.

یکی سرشناس‌ترین چهره‌های اصحاب امامیه، فضیل‌بن‌یسار نهدی از وابستگان قبیله بنی‌نهد می‌باشد که از کوفه به بصره رفته، در آنجا اقامت گزیده بود.^{۴۲} او در زمره اصحاب صادقین (ع) به شمار می‌رفت و در زمان امام صادق (ع) نیز درگذشت.^{۴۳} به گفته کُشی، وی در زمره شش فقیه بزرگ از اصحاب نخستین صادقین (ع) قرار داشته است.^{۴۴} فضیل‌بن‌یسار از جایگاه بلندی در نزد ائمه برخوردار بوده و از سوی آنها مورد تمجید قرار گرفته است؛ تا جایی که امام صادق (ع) درباره‌اش فرمود: «رحم الله الفضیل بن یسار، هو منا اهل البیت.»^{۴۵} روایات او در منابع روایی امامیه نیز قابل توجه است. گمان می‌رود، فعالیت‌های حدیثی فضیل‌بن‌یسار در شهر عثمانی‌گرای بصره موجب شده است که رجال‌شناسان عامه، نظر خوشایندی به وی نداشته باشند و با تعابیری چون «رجلٌ سوء» و «رافضیاً کذاباً ممن لایحتج به و لایعتمد علیه» از او نام برده‌اند.^{۴۶} البته برخی از آنان، فضیل‌بن‌یسار را توثیق عام کرده‌اند.^{۴۷} از اصحاب مهاجر کوفی به بصره، می‌توان به محمد بن مروان ذهلی کوفی، از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) اشاره کرد.^{۴۸} او از تبار ابوالأسود دوئلی بوده است.^{۴۹} گفته شده که وی در سال ۱۶۱ قمری در سن هشتاد و سه سالگی - ظاهراً در بصره - درگذشته است.^{۵۰} فهرست‌نگاران، کتابی بی‌نام برای او ذکر می‌کنند که حسن بن سماعه، راوی آن است.^{۵۱}

یکی دیگر از شاخص‌ترین اصحاب امامیه که از کوفه به بصره رفت و در آنجا سکنا

۴۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴۳. الرجال، نجاشی، ص ۳۰۹.

۴۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۰۷.

۴۵. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴۶. لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۵۴.

۴۷. تاریخ‌الکبیر، ج ۷، ص ۱۲۲؛ الثقات، ج ۷، ص ۳۱۵.

۴۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۷۴؛ مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الرجال، طوسی، ص ۲۹۵.

۴۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۷۴.

۵۰. الرجال، طوسی، ص ۲۹۵.

۵۱. طوسی، الفهرست، ص ۲۱۷.

گزید،^{۵۲} حماد بن عیسی جهنی از یاران امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) می باشد.^{۵۳} جایگاه او در حدیث و فقه امامیه، به قدری بلند است که علمای امامیه او را در زمره اصحاب اجماع بر شمرده اند.^{۵۴} حماد بن عیسی جهنی آثاری نیز تألیف کرده بود که معروف ترین آنها کتاب *مسائل التلمیذ* می باشد.^{۵۵} این کتاب، موضوعات ناهمگونی چون: مواعظ، منافع اعضای انسان و حیوان و همچنین مسائل کلامی توحید را در برداشت که وی از امام صادق (ع) پرسیده و پاسخشان را دریافت کرده بود.^{۵۶} حماد بن عیسی با دیگر اصحاب امامی بصره همچون فضیل بن یسار مرتبط بوده^{۵۷} و به همراه عباد بن صهیب بصری نیز از امام صادق (ع) حدیث فرا گرفته است.^{۵۸} همچنین، او یکی از راویان آثار اصحاب بصری نیز به شمار می رود و پسینیان از طریق وی به بعضی میراث حدیثی بصره دست یافته اند.^{۵۹}

ابان بن عثمان بجلي کوفی، از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) نیز گاهی در کوفه و گاهی در بصره زندگی می کرده است.^{۶۰} او در میان حدیث گرایان امامیه، از موقعیت ممتازی برخوردار بوده است؛ تا جایی که نام وی را همانند حماد بن عیسی جهنی، در زمره اصحاب اجماع ذکر کرده اند.^{۶۱} ابان بن عثمان بجلي با اصحاب امامیه در بصره همچون: فضیل بن یسار، حارث بن مغیره نصری بصری و عبدالرحمن بن ابی عبدالله بصری مرتبط بوده و از آنها حدیث شنیده است.^{۶۲} از شاگردان حدیثی وی در بصره، اطلاعی در دست نیست؛ ولی می دانیم که بصریان اخبار تاریخی را از او فرا گرفته بودند.^{۶۳} ناگفته نماند که ابان بن عثمان افزون بر آثار تاریخی،^{۶۴} نگاشته های حدیثی نیز داشته است و فهرست نگاران

۵۲. الرجال، برقی، ص ۲۱.

۵۳. الرجال، نجاشی، ص ۱۴۲.

۵۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳.

۵۵. الرجال، نجاشی، ص ۱۴۳.

۵۶. همان.

۵۷. همان، ص ۳۰۹.

۵۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۰۴.

۵۹. الرجال، نجاشی، ص ۱۶۷ و ۳۰۹.

۶۰. الفهرست، طوسی، ص ۵۹؛ الرجال، نجاشی، ص ۱۳.

۶۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳.

۶۲. المحاسن، ج ۱، ص ۲۳۲؛ همان، ج ۲، ص ۳۹۳ و ۳۹۵؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۴؛ همان، ج ۲، ص ۱۸، ۲۱۰، ۲۵۶ و

۴۱۰؛ همان، ج ۳، ص ۴۹، ۱۷۵ و ۱۷۹؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴، ۴۱۲، ۴۷۳ و ۵۱۲.

۶۳. الرجال، نجاشی، ص ۱۳.

۶۴. همان.

از اصل حدیثی وی سخن به میان آورده‌اند.^{۶۵} بیش از این، از فعالیت‌های حدیثی ابان در بصره چیزی نمی‌دانیم.

در میان اصحاب مهاجر کوفی به بصره، هجرت مفضل بن محمد ضبی کوفی از اصحاب امام صادق (ع) نیز قابل توجه می‌باشد.^{۶۶} او در بصره با مالک بن اعین جهنی از اصحاب امامیه در ارتباط بوده و از وی حدیث استماع کرده است.^{۶۷} ظاهراً مفضل بن محمد از چهره‌های شناخته شده شیعه در بصره به شمار می‌رفته و از این رو، ابراهیم بن حسن علوی - از علویان قیام کننده - مدتی را مخفیانه در منزل وی به سر برده است.^{۶۸} از فعالیت‌های حدیثی مفضل بن محمد ضبی، خیلی گزارش نشده و احادیث چندانی از او در منابع فعلی باقی نمانده است و تنها یک روایت در موضوع امامت امام باقر (ع) به نقل از فرزند وی، در مصادر روایی یافت می‌شود.^{۶۹} البته شخصیت حدیثی مفضل بن محمد ضبی، برای اهل سنت شناخته شده بوده و از این رو، ابوحاتم رازی (م. ۲۷۷ق) با تعبیر «متروک القرائة والحديث»، او را وصف کرده است.^{۷۰}

عبدالنور بن عبدالله بن سنان اسدی کوفی، از اصحاب امام صادق (ع) نیز از کوفه رهسپار بصره شده است.^{۷۱} در منابع امامیه، زیاد به این شخصیت پرداخته نشده است؛ ولی نویسندگان عامه، آگاهی خوبی از وی به دست داده‌اند. به گفته ابن حبان بُستی، او از موالی مسامعه در بصره بوده است.^{۷۲} از این رو، نویسندگان عامه با عنوان «مسمعی» از او یاد کرده‌اند.^{۷۳} مسمعی‌ها یکی از تیره‌های قبیله بنی بکر بن وائل در بصره می‌باشند که شماری از این دودمان، از جمله ابوسیار مسمع بن عبدالملک ملقب به گردین، شیخ و بزرگ آنان، در زمره اصحاب برجسته امامیه قرار دارند.^{۷۴} بنابراین، عبدالنور بن عبدالله کوفی در بصره با حمایت یکی از خاندان‌های شیعی آن شهر، فعالیت‌های حدیثی خویش را دنبال می‌کرده

۶۵. الفهرست، طوسی، ص ۶۱.

۶۶. الرجال، طوسی، ص ۳۰۷.

۶۷. امالی، طوسی، ص ۵۰۱.

۶۸. عمدة الطالب، ص ۱۰۹.

۶۹. کفایة الأثر، ص ۲۴۱.

۷۰. میزان الإعتدال، ج ۴، ص ۱۷۰.

۷۱. الرجال، طوسی، ص ۲۴۲.

۷۲. الثقات، ج ۸، ص ۴۲۳ و ۴۲۴.

۷۳. میزان الإعتدال، ج ۲، ص ۶۷۱؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۷۷.

۷۴. الرجال، نجاشی، ص ۴۲۰.

است. البته اغلب رجال شناسان اهل سنت احادیث وی را برنرفته، شخصیت حدیثی او را تضعیف کرده‌اند؛ تا جایی که ابوجعفر عقیلی درباره‌اش گفته است: «کان غالباً فی الرفض و یضع الحدیث، خبیثاً.»^{۷۵} همچنین، ذهبی و نورالدین هیشمی با تعبیر «کذاب» از او یاد کرده‌اند.^{۷۶}

عبدالنور بصری از جایگاه حدیثی قابل توجهی در بصره برخوردار بوده است و جمعی از بصریان در شمار راویان وی قرار دارند.^{۷۷} احادیث او نوعاً در موضوع فضیلت اهل بیت (ع) بوده و احتمالاً به همین جهت، مورد نکوهش مخالفان قرار گرفته است. ناگفته نماند که منقولات وی، در منابع اهل سنت یافت می‌شود^{۷۸} و مصادر امامی در این میان، سهم ناچیزی دارند.^{۷۹}

غیر از افراد یادشده، می‌توان از کوفیان دیگری مانند: حازم بن ابراهیم بجلی کوفی، ربیع بن زیاد ضبی کوفی و عبدالملک بن خالد کوفی از اصحاب امام صادق (ع) که به بصره منتقل شده‌اند، نام برد.^{۸۰} همچنین، گفته شده شهاب بن عبدربه اسدی کوفی، از خاندان حدیثی آل عبدربه^{۸۱} و از اصحاب امام صادق (ع)، مدتی را در بصره به سر می‌برده است.^{۸۲}

حضور امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) در بصره و ارتباط جریان حدیثی با ایشان

حضور امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) در بصره در تقویت جریان حدیث‌گرایی امامیه در بصره بی‌تاثیر نبوده است. امام کاظم (ع) به دستور هارون عباسی در مدینه دستگیر شد و او را تحت الحفظ به بصره فرستادند و در آنجا زندانی گردید. حبس آن حضرت در بصره، تقریباً به مدت یک سال طول کشید و پس از آن، به بغداد برده شد.^{۸۳} به نظر می‌رسد که حبس امام کاظم (ع) در بصره، با فشار و خفقان شدید همراه نبوده است و از این رو، شیعیان می‌توانستند

۷۵. الضعفاء، ج ۳، ص ۱۱۴.

۷۶. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۷۱؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۳۰۷؛ همان، ج ۸، ص ۴۲؛ همان، ج ۹، ص ۲۰۵ و ۳۴۴.

۷۷. الثقات، ج ۸، ص ۴۲۳ و ۴۲۴.

۷۸. المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۵۶؛ همان، ج ۲۲، ص ۴۰۷ و ۴۰۸؛ المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۱۵۶ و ۱۵۷؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۰ و ۲۷۱.

۷۹. امالی، طوسی، ص ۲۵۱؛ دلائل الإمامة، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۸۰. الرجال، طوسی، ص ۱۹۴، ۲۰۴ و ۲۳۸.

۸۱. رک: اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۱۲.

۸۲. همان، ص ۷۱۲ و ۷۱۳.

۸۳. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۸۲-۸۴.

جسته و گریخته با آن حضرت دیدار کنند و کسب معارف نمایند. در این میان، محدثان امامیه در بصره فرصت را غنیمت شمرده، ضمن ملاقات با امام کاظم (ع)، احادیثی را نیز از ایشان استماع کرده‌اند. حماد بن عیسی جهنی، یکی از اصحابی است که آن حضرت را در بصره ملاقات کرده است.^{۸۴} یاسین ضریرزیات نیز هنگام حضور امام کاظم (ع) در بصره، با آن حضرت ارتباط داشته و حدیث فرا گرفته و آن احادیث را در کتابی تدوین ساخته بود.^{۸۵}

حضور امام کاظم (ع) در بصره، به قدری برای شیعیان با اهمیت بوده که برخی از اصحاب محدث مانند داود رقی، در سال ۱۷۹ قمری برای ملاقات با امام کاظم (ع) راهی بصره شده و در آن شهر از امام اخذ روایت کرده است.^{۸۶} احتمالاً حسین بن مختار کوفی^{۸۷} نیز برای دیدار آن حضرت رهسپار بصره شده است.^{۸۸} شایان ذکر است که امام کاظم (ع) در بصره و از طریق بصریان، توقیعی مبنی بر جانشینی امام رضا (ع) صادر کرده است.^{۸۹} امام رضا (ع) نیز در جریان سفر به خراسان، مدتی کوتاهی را در بصره حضور داشته است که این حضور اندک نیز از چشم اصحاب حدیث گرای امامیه در بصره مغفول نماند.^{۹۰} محمد بن (قاسم بن) فضیل بن یسار بصری، از سرشناسان اصحاب محدث امامیه در بصره با امام رضا (ع) مرتبط بوده است و حتی بعضی گزارش‌ها، از حضور آن حضرت در منزل محمد بن فضیل در بصره حکایت دارند.^{۹۱}

شکل‌گیری جریان حدیثی امامیه بصره از اواخر سده دوم تا نیمه سده سوم

با مهاجرت اصحاب نامدار امامیه از کوفه به بصره در نیمه اول سده دوم هجری و فعالیت‌های حدیثی آنان در آنجا، شرایط برای شکل‌گیری یک کانون حدیثی و جریان منسجم حدیثی در بصره فراهم گردید. با تکیه بر پاره‌ای از شواهد، می‌توان گفت تقریباً از اواخر سده دوم هجری با فعالیت حدیثی پرورش‌یافتگان اصحاب

۸۴. قرب الاسناد، ص ۳۱۰.

۸۵. الرجال، نجاشی، ص ۴۵۳.

۸۶. همان، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۸۷. درباره شخصیت وی، رک: نجاشی، رجال، ص ۵۴.

۸۸. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۳۹.

۸۹. کافی، ج ۱، ص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۳۶.

۹۰. کافی، ج ۶، ص ۲۵۲.

۹۱. مستطرفات السرائر، ص ۵۸۰.

مهاجر کوفی، جریان حدیثی امامیه در بصره به شکل گیری نهایی خویش رسید و توانست به عنوان یک جریان مستقل در تاریخ اندیشه امامیه در بصره مطرح و نقش آفرین باشد. باید افزود که جریان یادشده، طی مراحل و فراز و فرودهایی چند، تا پایان سده چهارم هجری در بصره تداوم پیدا کرد که مرحله نخست آن، حدوداً تا آستانه غیبت صغری ادامه داشته است.

از برجسته ترین افراد فعال جریان حدیث گرایی در این بازه زمانی، می توان به خاندان فضیل بن یسار کوفی بصری و شاگردان وی اشاره کرد. قاسم بن فضیل بن یسار، از اصحاب موثق امامیه در بصره می باشد^{۹۲} که به نظر می رسد پس از پدرش، او به همراه برادرش نقش محوری در جریان حدیثی بصره ایفا می کرده اند. روایات قابل توجهی از قاسم بن فضیل بصری در منابع روایی امامیه یافت می شود^{۹۳} که نشان دهنده فعالیت های حدیثی وی می باشد. گفتنی است که قاسم بن فضیل، کتابی حدیثی داشته است که محمد بن ابی عمیر از برجستگان جریان حدیث گرایی بغداد، به روایت آن اهتمام ورزیده است.^{۹۴} علاء بن فضیل، فرزند دیگر فضیل بن یسار بصری نیز در کانون حدیثی امامیه در بصره در نیمه دوم سده دوم هجری فعال بوده است^{۹۵} و فهرست نگاران برای او کتابی حدیثی نیز بر شمرده اند که بزرگانی چون محمد بن سنان، به نشر آن اثر توجه نشان داده اند.^{۹۶}

یکی از معروف ترین محدثان خاندان فضیل بن یسار، محمد بن قاسم بن فضیل می باشد که در جریان حدیثی بصره نقش آفرین بوده است.^{۹۷} او در زمره اصحاب امام رضا (ع) قرار دارد^{۹۸} و با آن حضرت مکاتبه نیز داشته است.^{۹۹} در جریان سفر امام رضا (ع) به خراسان، محمد بن قاسم، از جمله کسانی بود که با آن حضرت در بصره دیدار کرده است.^{۱۰۰} باید افزود که محمد بن فضیل با علی بن مهزیار اهوازی، از محدثان ممتاز امامیه، مرتبط بوده

۹۲. الرجال، نجاشی، ص ۳۱۳

۹۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۳۹.

۹۴. الرجال، نجاشی، ص ۳۱۳.

۹۵. همان، ص ۲۹۸.

۹۶. همان.

۹۷. همان، ص ۳۶۲.

۹۸. الرجال، طوسی، ص ۳۶۶.

۹۹. کافی، ج ۳، ص ۵۴۱.

۱۰۰. مستطرفات السرائر، ص ۵۸۰.

است.^{۱۰۱} ناگفته نماند که قمی‌ها آثار حدیثی خاندان فضیل بن یسار را در اختیار داشته، به نقل و نشر آنها توجه نشان داده‌اند.^{۱۰۲}

نقش آفرینی عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله بصری، داماد فضیل بن یسار در مرکز حدیثی بصره نیز قابل توجه می‌باشد.^{۱۰۳} شیخ طوسی او را اصالتاً اهل کوفه معرفی کرده است؛^{۱۰۴} ولی عیاشی به نقل از ابن فضال، پدر وی ابو عبدالله میمون را از اهالی بصره دانسته است.^{۱۰۵} به هر روی، عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله نیز همانند سایر خاندان فضیل بن یسار در بصره فعالیت حدیثی می‌کرده و روایات قابل ملاحظه‌ای از وی در منابع امامیه یافت می‌شود. گزارش شده که او هفتصد مسئله را از حضرت صادق (ع) پرسش کرده بود.^{۱۰۶} فرزندش همام بن عبدالرحمن بصری نیز در زمره محدثان قرار داشته است.^{۱۰۷} همچنین، نواده‌اش ابوهمام اسماعیل بن همام بن عبدالرحمن بصری، از جمله اصحاب مؤثق امام رضا (ع) و از فعالان حوزه حدیثی بصره محسوب می‌شود.^{۱۰۸}

از شخصیت‌های تأثیرگذار جریان حدیثی امامیه در بصره، ربیع بن عبدالله بن الجارود بن ابی‌سبره هذلی بصری است^{۱۰۹} که نیایش جارود بن ابی‌سبره (م. ۱۲۰ق) از بزرگان شیعه در بصره محسوب می‌شده و از این رو، مورد آزار حاکم وقت عراق، یعنی حجاج بن یوسف ثقفی قرار داشته است.^{۱۱۰} ربیع بن عبدالله، از خواص اصحاب فضیل بن یسار به شمار می‌رفته و بیش از هر کسی، از او استماع حدیث کرده است.^{۱۱۱} البته وی با اصحاب محدث امامیه در کوفه، مانند: برید بن معاویه، ابوبصیر و محمد بن مسلم نیز ارتباط داشته و از آنان نیز حدیث شنیده است^{۱۱۲} و بزرگانی چون ابن ابی‌عمیر و صفوان بن یحیی، به نشر منقولات وی اهتمام

۱۰۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۰.

۱۰۲. الرجال، نجاشی، ص ۲۹۸، ۳۱۲ و ۳۶۲.

۱۰۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۹۹.

۱۰۴. الرجال، طوسی، ص ۲۳۶.

۱۰۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۹۹.

۱۰۶. خلاصة الاقوال، ص ۲۰۴.

۱۰۷. الرجال، نجاشی، ص ۳۰.

۱۰۸. همان.

۱۰۹. همان، ص ۱۶۷.

۱۱۰. البیان والتبیین، ص ۱۷۴.

۱۱۱. الرجال، نجاشی، ص ۱۶۷.

۱۱۲. معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۱۷۰.

داشته‌اند.^{۱۱۳} کتاب‌های روایی او را نیز محدثان قمی در اختیار داشته‌اند.^{۱۱۴} عمر بن محمد بن عبدالرحمن بن اذینه بصری، معروف به عمر بن اذینه، از محدثان صاحب نام جریان حدیثی امامیه در بصره به شمار می‌رود. حضور و نقش او در کانون حدیثی بصره، بسیار با اهمیت بوده است؛ تا جایی که نویسندگان امامی با تعبیر «شیخ اصحابنا البصریین و وجههم» از وی نام برده‌اند.^{۱۱۵} برخی عمر بن اذینه را کوفی الأصل معرفی کرده‌اند.^{۱۱۶} از آنجا که زمان حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۸۳ قمری جدش عبدالرحمن بن اذینه منصب قضاوت بصره را عهده‌دار بوده،^{۱۱۷} ظاهراً از آن هنگام خاندان ابن اذینه از کوفه به بصره آمده و در آنجا ساکن شده‌اند؛ ضمن اینکه خاندان ابن اذینه، سرشناس بوده و از ناقلان حدیث اهل سنت به شمار می‌رفته‌اند. جدش عبدالرحمن بن اذینه (م. ۹۵ ق)، از راویان ابوهریره بوده است^{۱۱۸} و همچنین، گفته شده دقره، مادر عبدالرحمن ابن اذینه، با عایشه دیدار کرده و از او حدیث شنیده است.^{۱۱۹} به هر روی، عمر بن اذینه امامی مذهب بوده و در مرکز حدیثی امامیه در بصره جایگاه ویژه‌ای داشته است. او با فضیل بن یسار، محدث تأثیرگذار امامیه بصره، مراوده داشته و از وی حدیث شنیده است.^{۱۲۰} است.^{۱۲۰} افزون بر این، وی با برجستگان حدیثی امامیه کوفه مانند: برید بن معاویه عجلی، حمران بن اعین، محمد بن مسلم و بکیر بن اعین نیز مرتبط بوده است.^{۱۲۱} گفتنی است که فهرست نگاران، از میراث روایی ابن اذینه سخن به میان آورده‌اند که در محافل اصحاب حدیث گرای امامیه نیز بدان‌ها توجه شده است.^{۱۲۲} ابن ندیم، اثر فقهی او را در شمار آثار مشهور فقهی امامیه یاد کرده است.^{۱۲۳}

ابراهیم بن رجاء جحدری بصری، از تبار بنی قیس بن ثعلبه و از جمله محدثان موثق و مورد

۱۱۳. همان.

۱۱۴. الفهرست، طوسی، ص ۱۲۸.

۱۱۵. الرجال، نجاشی، ص ۲۸۳.

۱۱۶. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۲۶.

۱۱۷. تاریخ خلیفه، ص ۲۲۹.

۱۱۸. تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۲۳.

۱۱۹. الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۹۰.

۱۲۰. بصائر الدرجات، ص ۲۱۶؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۱.

۱۲۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۳ و ۲۴.

۱۲۲. الفهرست، طوسی، ص ۱۸۴.

۱۲۳. فهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۵.

اعتماد امامیه نیز در اوایل سده سوم هجری در بصره فعالیت داشته است.^{۱۲۴} اطلاع چندانی از این شخصیت نداریم؛ ولی می‌دانیم که ابراهیم بن هاشم کوفی قمی با او در ارتباط بوده^{۱۲۵} و کتاب فضائل وی را نیز روایت کرده است.^{۱۲۶}

حسن بن محمد بن احمد صفار بصری، از محدثان بنام بصره نیز در همین دوره می‌زیسته و نجاشی از او با تعبیر «شیخ من اصحابنا» نام برده است.^{۱۲۷} از مشایخ حدیثی وی می‌توان به: حسن بن سماعه، معاویه بن حکیم کوفی، محمد بن حسین، محمد بن تسنیم و عباد رواجنی اشاره کرد.^{۱۲۸} برای او کتاب حدیثی با عنوان خروج القائم والملاحم ذکر کرده‌اند.^{۱۲۹} همچنین، در این دوره می‌توان به معلی بن محمد زیادی بصری، از محدثان پُرروایت بصره اشاره کرد.^{۱۳۰} روایات ابوالحسن زیادی بصری، در زمینه‌هایی نظیر: فقهی،^{۱۳۱} عقاید،^{۱۳۲} مناقب و فضایل^{۱۳۳} و ردّ بر مخالفان^{۱۳۴} قابل توجه می‌باشد؛ به گونه‌ای که کلینی برخی از ابواب کتاب مهم کافی را به طور کلی^{۱۳۵} یا بخش فراوانی^{۱۳۶} را به احادیث او اختصاص اختصاص داده است. منقولات وی، فقط در نزد چند راوی قمی، به خصوص حسین بن محمد بن عامر مورد اقبال قرار گرفته است و کلینی نیز تمام روایات معلی را از طریق ابن عامر نقل می‌کند.

اسماعیل بن علی عمی، یکی دیگر از محدثان موثق امامیه می‌باشد که در نیمه سده سوم هجری در بصره می‌زیسته است.^{۱۳۷} او کتاب‌های بسیاری را تألیف کرده بود^{۱۳۸} که مهم‌ترین

۱۲۴. الرجال، نجاشی، ص ۱۶؛ الفهرست، طوسی، ص ۳۵.

۱۲۵. لسان المیزان، ج ۱، ص ۵۶.

۱۲۶. الرجال، نجاشی، ص ۱۶؛ الفهرست، طوسی، ص ۳۵.

۱۲۷. الرجال، نجاشی، ص ۴۸.

۱۲۸. همان.

۱۲۹. همان.

۱۳۰. الفهرست، طوسی، ص ۲۴۷؛ الرجال، نجاشی، ص ۴۱۸.

۱۳۱. الاستبصار، طوسی، ج ۱، ص ۴۴۴؛ همان، ج ۳، ص ۳۹ و ۱۸۰.

۱۳۲. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۸؛ همان، ج ۲، ص ۱۳؛ توحید، ص ۳۳۴.

۱۳۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹؛ دلائل الامامة، ص ۴۱۴ و ۴۲۷.

۱۳۴. عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۹۸.

۱۳۵. کافی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۱۳۶. همان، ص ۴۱۲.

۱۳۷. الفهرست، طوسی، ص ۴۸؛ الرجال، نجاشی، ص ۳.

۱۳۸. الفهرست، طوسی، ص ۴۸.

آنها کتاب *ما اتفقت علیه العامة بخلاف الشيعة من اصول الفرائض* می باشد.^{۱۳۹} این اثر را عبدالعزیز جلودی (م. ۳۳۲ ق) که از عالمان امامی بصره می باشد، روایت کرده است.^{۱۴۰} برخی دیگر از محدثان نیز در این بازه زمانی در بصره فعال بوده اند که نسبت به افراد یاد شده از جایگاه ویژه ای برخوردار نبوده اند و در دوره های بعدی، رجال شناسان امامیه از جهاتی شخصیت حدیثی آنان را مورد تردید و خدشه قرار داده اند؛ از جمله این افراد، عبدالملک بن منذر عمی بصری می باشد که از سوی رجالیان امامی تضعیف شده است.^{۱۴۱} البته احمد بن ابی عبدالله برقی (م. ۲۷۴ ق) از محدثان نامدار قمی، کتاب حدیثی عبدالملک بن منذر را از او فرا گرفته و در قم نقل کرده است.^{۱۴۲} ابوطالب ازدی شعرانی بصری نیز از محدثان ناشناخته بصره است که تنها محمد بن خالد برقی قمی، کتاب او را روایت کرده است.^{۱۴۳}

افزون بر افراد یاد شده، محدثانی دیگری نیز در این دوره زمانی در بصره فعالیت حدیثی می کردند که می توان از جمله آنها به: فضل بن مبارک بصری،^{۱۴۴} عباد بن کثیر بصری، خلف بصری، حسین بن اسد بصری، مختار بن زیاد بصری، ابویحیی محمد بن یحیی بصری، احمد بن حسن قزاز بصری، علی بن میسره بصری، ابواحمد عمر بن ربیع بصری، ابو عثمان عمرو بن جمیع ازدی بصری، ابوجعفر محمد بن صدقه عنبری بصری، محمد بن تمیم نهشلی تمیمی بصری، وهیب بن خالد بصری، ابوطالب بصری و حجاج بن سفیان عبدی بصری^{۱۴۵} اشاره کرد.^{۱۴۶}

فعالیت خط حدیثی متهم به غلو در بصره

در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری می توان به طور دقیق فعالیت های خط متهمان به غلو را در بصره پیگیری و رصد کرد. افراد قابل توجهی از این جریان، در حوزه های

۱۳۹. همان: *الرجال*، نجاشی، ص ۳۰.

۱۴۰. *الفهرست*، طوسی، ص ۴۸.

۱۴۱. همان، ص ۲۴۰.

۱۴۲. همان، ص ۱۷۹.

۱۴۳. *الرجال*، نجاشی، ص ۴۵۹.

۱۴۴. کتاب *من لا یحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۱۵۴.

۱۴۵. *کشف الغمّة*، ج ۳، ص ۲۱۸.

۱۴۶. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۶۹۰؛ *الرجال*، طوسی، ص ۳۷۵، ۳۷۸، ۳۸۵ و ۳۹۱؛ *الرجال*، نجاشی، ص ۷۸.

۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۸، ۳۶۴، ۳۶۵، ۴۳۱ و ۴۵۷.

حدیثی و معارفی امامیه فعال بوده‌اند و فعالیت آنان در بصره نیز تقریباً تا اواخر سده سوم هجری نیز تداوم یافته است. از چهره‌های نامدار این نحله فکری می‌توان به محمد بن سلیمان بن عبدالله دیلمی بصری، از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) اشاره کرد^{۱۴۷} که در اواخر سده دوم در بصره فعالیت می‌کرده است. او اصالتاً اهل کوفه می‌باشد و پدرش ابومحمد سلیمان بن عبدالله دیلمی نیز در زمره رجال امامیه قرار دارد^{۱۴۸} که درباره‌اش گفته‌اند: «کان غالباً کذاباً»^{۱۴۹} البته از حضور سلیمان بن عبدالله دیلمی در بصره اطلاعی نداریم؛ اما فرزندش محمد بن سلیمان در بصره می‌زیسته و به بصری معروف بوده است.^{۱۵۰} محمد بن سلیمان دیلمی نیز همانند پدرش در معرض اتهام غلو قرار داشته است؛ تا جایی که برخی رجالیان امامیه با تعبیر «کان من الغلاة الکبار» از او نام برده‌اند.^{۱۵۱} با این حال، جایگاه پدر و پسر در میراث روایی امامیه قابل توجه و پُررنگ می‌باشد و در موضوعات گوناگون از جمله فقهی و اعتقادی، از آنان روایت نقل شده است.^{۱۵۲} شاید از این روست که برخی عالمان امامیه ناچار شده‌اند غیر از روایات منفرد، دیگر منقولات آنها را بپذیرند.^{۱۵۳} گفتنی است، کسانی چون ابراهیم بن اسحاق احمر نهاوندی و سهل بن زیاد آدمی که به غلوگرایی متهم بودند نیز به نقل روایات محمد بن سلیمان دیلمی و پدرش توجه نشان داده‌اند.^{۱۵۴}

ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن اصم مسمعی بصری، یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های متهم به غلو در بصره به شمار می‌رود. عبدالله اصم مسمعی، در جریان متهمان به غلو بصره قرار داشته است و از جمله شاگردان عبدالله بن قاسم بن حارث البطل واقفی و

۱۴۷. الرجال، طوسی، ص ۳۴۳ و ۳۶۳.

۱۴۸. الفهرست، طوسی، ص ۱۳۸؛ الرجال، نجاشی، ص ۱۸۲.

۱۴۹. الرجال، نجاشی، ص ۱۸۲. البته ابن غضائری نیز از شخصی به نام سلیمان بن زکریای دیلمی با عنوان «کذاب و غال» یاد کرده است. (ابن غضائری، رجال، ص ۶۷) به احتمال زیاد، این فرد، همان سلیمان بن عبدالله دیلمی است.

۱۵۰. الرجال، طوسی، ص ۲۴۳ و ۲۶۳؛ معالم العلماء، ص ۱۳۰.

۱۵۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳.

۱۵۲. بصائر الدرجات، ص ۸۰، ۲۴۳، ۲۵۰، ۴۱۳ و ۴۵۹؛ کافی، ج ۱، ص ۱۱، ۱۲، ۱۵۰، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۸۵ و ۴۳۰؛ همان، ج ۳، ص ۱۶۱ و ۳۹۹؛ همان، ج ۴، ص ۵۴۸؛ کامل الزیارات، ص ۴۴؛ امالی، صدوق، ص ۲۷۴، ۳۰۸ و ۵۰۴؛ ثواب الأعمال، ص ۱۴۶، ۲۰۸ و ۲۱۰؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۲۵۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۰؛ همان، ج ۲، ص ۱۰۹، ۱۲۲، ۲۰۳ و ۲۱۱.

۱۵۳. الرجال، نجاشی، ص ۱۸۲ و ۳۶۵.

۱۵۴. کافی، ج ۱، ص ۱۱، ۱۲، ۳۰۰ و ۴۳۰؛ همان، ج ۴، ص ۵۴۸؛ همان، ج ۷، ص ۲۶۶؛ امالی، صدوق، ص ۳۰۸.

غالی بصره محسوب می‌شود.^{۱۵۵} رجال شناسان امامیه، به غلو و ارتفاع وی تصریح کرده‌اند.^{۱۵۶} آن چیزی که موجب شده رجالیان امامی علیه عبدالله اصم بصری موضع‌گیری داشته باشند، کتاب *المزاروی* بوده است^{۱۵۷} که ابن غضائری درباره این اثر گفته است: «له کتاب فی الزیارات، ما یدل علی خبث عظیم و مذهب متهافت.»^{۱۵۸} نجاشی هم با تعبیر «هو تخلیط»، آن را وصف کرده است.^{۱۵۹} با این همه، ابن قولویه قمی (م. ۳۶۸ ق) احادیث بسیاری از این اثر یاد شده در کتاب *کامل الزیارات* بازتاب داده که قابل تأمل است.^{۱۶۰} البته عالمان امامی کتاب *الناسخ و المنسوخ* او را خالی از اشکال می‌دانستند و حتی محمد بن عیسی بن عبید یقطینی آن کتاب را از اصم فراگرفت و بعدها نیز این اثر در میان قمی‌ها نشر پیدا کرد.^{۱۶۱}

یکی از مهم‌ترین شاگردان عبدالله اصم بصری، شخصی به نام عبدالله بن حماد بصری می‌باشد^{۱۶۲} که آگاهی چندانی از این شخصیت نداریم. شوشتری، رجال‌شناس معاصر، او را همان عبدالله بن حماد انصاری از مشایخ مقیم قم پنداشته است؛^{۱۶۳} ولی با توجه به اینکه هیچ‌یک از رجالیان متقدم امامیه ابن حماد انصاری را بصری معرفی نکرده‌اند، پذیرش نظر محقق شوشتری دشوار به نظر می‌رسد. به هر روی، بیشتر منقولات عبدالله اصم بصری، از طریق عبدالله بن حماد بصری در منابع انعکاس یافته است. با توجه به روایات فراوان او از اصم بصری در موضوع زیارت،^{۱۶۴} به نظر می‌آید کتاب *جنجال برانگیز المزار* استادش را نیز در اختیار داشته است.

محمد بن جمهور عمی بصری، از محدثان ممتاز متهم به غلو بصره نیز از روایان

۱۵۵. *امالی*، صدوق، ص ۲۷۵؛ *الرجال*، نجاشی، ص ۲۲۶. همچنین، درباره شخصیت عبدالله بن قاسم البطل، رک: *الرجال*، نجاشی، ص ۲۲۶؛ *الرجال*، طوسی، ص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ *الرجال*، ابن غضائری، ص ۷۸؛ *قاموس الرجال*، ج ۶، ص ۵۵۴، ۵۵۵ و ۵۵۶؛ *میراث مکتوب شیعه*، ص ۲۰۱.

۱۵۶. *الرجال*، نجاشی، ص ۲۱۷؛ *الرجال*، ابن غضائری، ص ۷۶ و ۷۷.

۱۵۷. *الرجال*، نجاشی، ص ۲۱۷.

۱۵۸. *الرجال*، ابن غضائری، ص ۷۶.

۱۵۹. *الرجال*، نجاشی، ص ۲۱۷.

۱۶۰. *کامل الزیارات*، ص ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳-۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۹۰، ۳۴۴، ۳۵۷، ۴۲۶، ۴۶۲، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۹۵، ۵۳۹، ۵۴۸، ۵۵۲ و ۵۵۳.

۱۶۱. *الرجال*، نجاشی، ص ۲۱۷.

۱۶۲. *کامل الزیارات*، ص ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۶ و ۱۷۷.

۱۶۳. *قاموس الرجال*، ج ۶، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

۱۶۴. *کامل الزیارات*، ص ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۴ و ۲۴۵.

عبدالله بن اصم بصری محسوب می‌شود که در شمار اصحاب و راویان امام رضا(ع) نیز قرار داشته است.^{۱۶۵} گفته شده او پس از شهادت حضرت رضا(ع)، به همراه جمعی از بزرگان شیعه برای آگاهی از وضعیت جانشینی آن حضرت رهسپار مدینه شده بود^{۱۶۶} که این موضوع، نشان دهنده جایگاه برجسته وی در میان جامعه امامی بصره است؛ با این حال، رجالیان امامیه محمد بن جمهور عمی را به غلو و فساد مذهب متهم کرده‌اند.^{۱۶۷}

ابن جمهور بصری در عرصه حدیث بصره نیز فعال بود و تا پایان عمرش از او استماع حدیث کرده‌اند^{۱۶۸} و روایات او در منابع امامیه به وفور یافت می‌شود.^{۱۶۹} احتمالاً کثرت منقولات ابن جمهور در میان امامیان، ابن غضائری را واداشته تا بر عدم نقل احادیث وی تأکید ورزد و بگوید: «فاسد الحدیث، لا یکتب حدیثه». ^{۱۷۰} البته علاوه بر مصادر اصلی امامیه، در آثار غلوگرایانی چون حسین بن حمدان خصیصی نصیری نیز روایات وی بازتاب یافته است.^{۱۷۱} باید افزود که ابن جمهور بصری، با محدثان غلوگرایی چون یونس بن ظبیان و محمد بن عبدالله بن مهران کرخی مرتبط بوده است.^{۱۷۲}

فرزندان و شاگردان ابن جمهور بصری نیز در محافل محدثان متهمان به غلو بصره مطرح بوده‌اند. فرزندش حسن بن محمد بن جمهور عمی بصری، در نیمه سده سوم در بصره فعال بوده است و از او با تعبیر «من رواه أهل البيت و حامل الأثر عنهم» یاد کرده‌اند.^{۱۷۳} اصحاب امامی بصره، به فراگیری روایات وی اقبال نشان داده‌اند و رجال شناسان امامیه، شخصیت حدیثی حسن بن جمهور را نیز ستوده و حتی او را موثق ترو صالح تر از پدرش معرفی کرده‌اند؛^{۱۷۴} اما با وجود این، به نقل روایت وی از ضعف و اعتمادش بر

۱۶۵. فهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۸؛ الرجال، نجاشی، ص ۳۳۷.

۱۶۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۸۹.

۱۶۷. الرجال، طوسی، ص ۳۶۴؛ الرجال، نجاشی، ص ۳۳۷؛ ابن غضائری، ص ۹۲.

۱۶۸. الرجال، نجاشی، ص ۳۳۷.

۱۶۹. در این باره رک: المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۳۱؛ همان، ج ۲، ص ۴۷۱، ۴۷۸، ۴۸۲ و ۵۵۲؛ بصائر الدرجات،

ص ۴۳، ۵۱، ۱۰۱، ۱۵۱، ۴۳۵، ۴۹۷، ۵۰۹، ۵۱۴ و ۵۱۷؛ الامامة والتبصرة، ص ۱۰۹ و ۱۳۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹، ۵۴،

۱۴۵، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳؛ همان، ج ۲، ص ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۹۵ و ۳۶۴؛ مالی، صدوق، ص ۱۰۸، ۳۰۶ و ۳۸۲؛ توحید،

ص ۶۸؛ خصال، ص ۱۲۴ و ۲۹۳.

۱۷۰. الرجال، ابن غضائری، ص ۹۲.

۱۷۱. الهدایة الکبری، ص ۷۶، ۹۶، ۲۸۶، ۳۶۰، ۳۶۲ و ۳۶۷.

۱۷۲. طب الاثمة، ص ۲۲؛ الهدایة الکبری، ص ۷۶، ۹۶ و ۳۶۲.

۱۷۳. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۹۸.

۱۷۴. الرجال، نجاشی، ص ۶۲.

اخبار مراسیل خورده گرفته‌اند.^{۱۷۵} از جمله فرزندان ابن جمهور عمی بصری، حسین بن محمد بن جمهور بصری می‌باشد که در شمار محدثان شیعه قرار داشته است^{۱۷۶} و برخی از منقولاتش را غلوگرایان نصیری انتشار داده‌اند.^{۱۷۷} همچنین، ابن غضائری از شخصی شخصی به نام «معلی بن راشد عمی بصری» نام برده و او را با عنوان «ضعیف» و «غالی» وصف کرده است.^{۱۷۸} معلی بن راشد، از تبار خاندان بنی عم بوده است؛ اما از ارتباطش با ابن جمهور عمی، چیزی نمی‌دانیم.

چند تن از شاگردان محمد بن جمهور نیز در زمره محدثان سرشناس جریان متهم به غلو بصره قرار دارند؛ ابویعقوب یوسف بن سخت بصری، یکی از آنها می‌باشد^{۱۷۹} که در شمار اصحاب امام حسن عسکری (ع) نیز جای داشته است.^{۱۸۰} ابن غضائری با تعبیر «ضعیف، مرتفع القول» او را وصف کرده است.^{۱۸۱} ابن ولید قمی و به تبعش شیخ صدوق نیز وی را از رجال کتاب *نوادیر الحکمة* محمد بن احمد بن یحیی اشعری استثنا کرده‌اند؛^{۱۸۲} با این حال، روایاتی از ابن سخت بصری در مصادر امامیه وجود دارد^{۱۸۳} و بزرگانی چون محمد بن مسعود عیاشی و محمد بن احمد بن یحیی اشعری، از وی استماع حدیث کرده‌اند.^{۱۸۴}

احمد بن محمد بن سیار بصری، معروف به سیاری،^{۱۸۵} یکی دیگر از شاگردان ابن جمهور عمی بصری است^{۱۸۶} که در جریان حدیثی متهم به غلو بصره نقش آفرین بوده است. رجال شناسان بغدادی، به شدت شخصیت سیاری را به چالش کشیده‌اند.^{۱۸۷} همچنین، او

۱۷۵. همان.

۱۷۶. *اعلام الوری*، ج ۲، ص ۱۲۲.

۱۷۷. *الهدایة الکبری*، ص ۲۰۴، ۲۸۶ و ۳۰۰.

۱۷۸. *الرجال*، ابن غضائری، ص ۹۷.

۱۷۹. *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۸۲؛ *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۳۸۱، ۴۱۵ و ۴۱۶؛ *الرجال*، طوسی، ص ۴۵۰.

۱۸۰. *الرجال*، طوسی، ص ۴۰۳.

۱۸۱. *الرجال*، ابن غضائری، ص ۱۰۳.

۱۸۲. *الرجال*، نجاشی، ص ۳۴۸.

۱۸۳. *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۸۲؛ *کافی*، ج ۴، ص ۱۴۹؛ همان، ج ۵، ص ۹۶ و ۹۷؛ همان، ج ۶، ص ۵۰۱ و ۵۰۸؛ *عیون*

اختیار الرضاع (ع)، ج ۱، ص ۳۶، ۳۸ و ۴۵؛ *کفایة الأثر*، ص ۱۱۳؛ *تهذیب الاحکام*، ج ۴، ص ۳۰۴؛ همان، ج ۶، ص ۲۱۱.

۱۸۴. *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۱۶؛ همان، ج ۲، ص ۸۴؛ *الرجال*، طوسی، ص ۴۵۰.

۱۸۵. *الرجال*، نجاشی، ص ۸۰. کشی، او را اصفهانی دانسته و ابن غضائری، او را قمی خوانده است. (*اختیار معرفة*

الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵؛ *الرجال*، ابن غضائری، ص ۴۰)

۱۸۶. *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۷۸؛ *کافی*، ج ۲، ص ۱۹۰.

۱۸۷. *الفهرست*، طوسی، ص ۶۶؛ *الرجال*، نجاشی، ص ۸۰؛ *الرجال*، ابن غضائری، ص ۴۰.

یکی از افراد استثنای ابن ولید قمی و شیخ صدوق از رجال کتاب *نوادیر الحکمة* می باشد.^{۱۸۸} با این همه، سیاری بخشی از میراث روایی امامیه را در اختیار داشته و محدثان برجسته ای چون: عبدالله بن جعفر حمیری،^{۱۸۹} احمد بن ابی عبدالله برقی،^{۱۹۰} حسین بن محمد بن عامر اشعری^{۱۹۱} و محمد بن احمد بن یحیی اشعری،^{۱۹۲} به نقل حدیث وی اهتمام ورزیده اند.

یکی از چهره های شاخص متهمان به غلو بصره، ابومحمد حسن بن راشد طفاوی بصری است^{۱۹۳} که با محمد بن جمهور عمی بصری نیز ارتباط داشته و به همراه او، پس از شهادت امام رضا (ع) برای آگاهی از جانشینی آن حضرت به مدینه سفر کرده است.^{۱۹۴} همچنین، طفاوی، با علی بن اسماعیل میثمی از متکلمان امامی مقیم بصره مرتبط بوده است. او علاوه بر استماع حدیث،^{۱۹۵} یکی از کتاب های میثمی را نیز روایت کرده است؛^{۱۹۶} با این حال، طفاوی بصری از انتقادهای تند و تیز رجال شناسان بغدادی در امان نمانده است.^{۱۹۷} البته نجاشی، طفاوی را فردی «کثیر العلم» و کتاب نوادرش را با تعبیر «حسن» شناسانده است.^{۱۹۸}

غیر از افرادی که به آنها اشاره شد، کسانی دیگری هم از اصحاب امامیه بصره به غلو و ضعف متهم شده بودند. در این باره می توان از: محمد بن صدقه بصری،^{۱۹۹} ابوسعید حسین بن علی بن زکریا عدوی بصری، خلف بن محمد بن ابی الحسن ماوردی بصری، ابومحمد صالح بن علی بن عطیه اضخم بصری و اسحاق بن محمد بن احمد بصری

۱۸۸. الرجال، نجاشی، ص ۳۴۸.

۱۸۹. کافی، ج ۲، ص ۶۲۴؛ همان، ج ۶، ص ۴۲۶ و ۵۲۳.

۱۹۰. خصال، ص ۱۵۶؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۸۴.

۱۹۱. کافی، ج ۱، ص ۲۴؛ همان، ج ۵، ص ۲۱۵ و ۳۳۶؛ همان، ج ۶، ص ۸، ۲۵۲، ۲۸۳، ۳۰۳ و ۳۳۶؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۴۶.

۱۹۲. الرجال، نجاشی، ص ۳۴۸.

۱۹۳. الرجال، نجاشی، ص ۳۸. البته ابن غضائری از او با عنوان «ابومحمد حسن بن اسد طفاوی بصری» نام برده است (الرجال، ابن غضائری، ص ۵۲) که در واقع، همان «حسن بن راشد» است (قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۳۴).

۱۹۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۸۹.

۱۹۵. کافی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ همان، ج ۳، ص ۵۷۰.

۱۹۶. الرجال، ابن غضائری، ص ۵۲.

۱۹۷. الرجال، نجاشی، ص ۳۸؛ الرجال، ابن غضائری، ص ۵۲.

۱۹۸. الرجال، نجاشی، ص ۳۸.

۱۹۹. الرجال، طوسی، ص ۳۳۶.

نام برد. ۲۰۰

دستاورد

تا پیش از مهاجرت اصحاب کوفی به بصره در اوایل سده دوم هجری، صرف نظر از برخی اصحاب امیر مؤمنان (ع) و در ادامه برخی از اصحاب امام باقر (ع)، نمی توان از یک جریان منسجم و فعال حدیثی در بصره سخن به میان آورد.

هم زمان با آغاز فعالیت های کلامی معتزله در بصره و در پی آن با فروکش کردن فضای عثمانی گرایی در آنجا، برخی از محدثان سرشناس کوفه - در خلال نیمه اول قرن دوم تا اوایل قرن سوم هجری - به بصره مهاجرت کردند که در میان آنان، برخی از اصحاب اجماع مانند فضیل بن یسار نهدی و حماد بن عیسی جهنی قرار داشتند. حضور اینان، در شکل گیری جریان حدیثی امامیه در بصره مؤثر بوده است.

زندانی شدن امام کاظم (ع) در بصره به مدت یک سال و ارتباطات ایشان از درون زندان با شیعیان و همچنین، حضور امام رضا (ع) در مدتی کوتاه در این شهر، در تقویت این جریان نیز بی تأثیر نبوده است.

حدیث گرایان متهم به غلو، مانند عبدالله اصم بصری و محمد ابن جمهور عمی نیز در جریان حدیثی امامیه بصره فعالیت قابل توجهی داشتند. جریان حدیثی امامیه در بصره، تا آغاز غیبت صغرا در بصره فعال و شکوفا بوده است.

منابع

- اختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تعلیق: میرداماد استرآبادی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ ق.
- الاستبصار، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- الاصابة، ابن حجر، تحقیق: عادل عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- الامالی، شیخ صدوق، قم: مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۴ ق.

۲۰۰. الرجال، ابن غضائری، ص ۵۳، ۵۷ و ۷۰؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۶۳، ۴۹۵ و ۷۰۴.

- الامامة والتبصرة، ابن بابويه قمى، قم: مدرسة الامام المهدي، ١٤٠٤ق.
- الانساب، عبدالكريم بن محمد سمعاني، تحقيق: عبدالله البارودي، بيروت: دار الجنان، ١٤٠٨ق.
- البيان والتبيين، ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ، بي جا: مكتبة التجارية الكبرى، ١٣٤٥ق.
- التوحيد، شيخ صدوق، تحقيق: سيد هاشم طهراني، قم: منشورات جماعة المدرسين، ١٣٩٨ق.
- الثقات، ابن حبان، حيدرآباد دكن: مؤسسة الكتب الثقافة، ١٣٩٣ق.
- الجرح والتعديل، عبدالرحمن بن محمد بن ابي حاتم، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٣٧٢ق.
- الخصال، شيخ صدوق، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: منشورات جماعه المدرسين، ١٤٠٣ق.
- الضعفاء، محمد بن عمرو عقيلي، تحقيق: امين قلجى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد، بيروت: دار صادر، بي تا.
- العلل، احمد بن حنبل، تحقيق: وصى الله عباس، بيروت: المكتب الاسلامى، ١٤٠٨ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد قيوى، قم: مؤسسة النشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣.
- الكامل، عبدالله بن عدى، تحقيق: يحيى غزاوى، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ق.
- المجروحين من المحدثين والضعفاء والمتروكين، ابن حبان، تحقيق: محمود ابراهيم زايد، مكة المكرمة: دار الباز، بي تا.
- المحاسن، احمد بن ابي عبدالله برقى، تحقيق: جلال الدين ارموى، تهران: دار الكتب الاسلامية، ١٣٧٠ش.
- المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبرانى، بي جا: دار الحرمين، ١٤١٥ق.
- المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانى، تحقيق: حمدى السلفى، بي جا: دار احياء التراث العربى، بي تا.
- المغنى فى الضعفاء، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق: حازم القاضى، بيروت: دار الكتب

- العلمية، ۱۴۱۸ق.
- الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصيبي، بيروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تحقيق: حسن كوجه باغي، تهران: مطبعة الاحمدى، ۱۴۰۴ق.
- تاريخ ابن معين، يحيى بن معين، تحقيق: عبدالله احمد حسن، بيروت: دار القلم، بي تا.
- تاريخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دار الكتاب العربى، ۱۴۰۷ق.
- تاريخ الكبير، محمد بن اسماعيل بخارى، تركيه: المكتبة الاسلامية، بي تا.
- تاريخ بغداد، احمد بن على خطيب بغدادى، تحقيق: مصطفى عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
- تاريخ خليفه، خليفه بن خياط، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ق.
- تاريخ مدينه دمشق، ابن عساکر، تحقيق: على شيرى، بيروت، دار الفكر، ۱۴۲۵ق.
- تفسير العياشى، محمد بن مسعود عياشى، تحقيق: سيد هاشم رسولى، تهران: المكتبة العلمية الاسلامية، بي تا.
- تهذيب الاحكام، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: سيد حسن خراسان، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۶۴ش.
- تهذيب التهذيب، ابن حجر، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- تهذيب الكمال، جمال الدين يوسف مزى، تحقيق: بشار عواد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق.
- ثواب الاعمال، شيخ صدوق، تحقيق: محمد مهدي الخراسان، قم: منشورات الرضى، ۱۳۶۸ش.
- خلاصة الاقوال، حسن بن يوسف حلى، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۷ق.
- دلائل الامامة، محمد بن جرير طبرى، قم: مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- رجال ابن غضائرى، احمد بن حسين غضائرى، تحقيق: محمدرضا جلالى، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
- رجال النجاشى، احمد بن على نجاشى، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ق.
- رجال برقى، احمد بن ابى عبدالله برقى، تحقيق: جلال الدين ارموى، تهران: انتشارات

- دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- رجال طوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقيق: جواد القيومي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
- سير الاعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقيق: شعيب الارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- طب الأئمة، حسين و عبدالله ابن سابور، قم: نشر الشريف الرضي، ۱۴۱۱ق.
- علل الشرايع، شيخ صدوق، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف: مكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.
- عمدة الطالب، احمد بن عنبه، تحقيق: محمد حسن آل طالقاني، نجف: مطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ق.
- عيون اخبار الرضا (ع)، شيخ صدوق، تحقيق: حسين اعلمی، بيروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
- فهرست ابن نديم، محمد بن اسحاق، تحقيق: رضا تجدد، بی جا: ۱۳۵۰ش.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم: مؤسسة النشر اسلامي، ۱۴۱۹ق.
- قبول الاخبار، عبدالله بن احمد ابوالقاسم البلخي، تحقيق: ابی عمرو الحسيني، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حميري، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- كامل الزيارات، ابن قولويه، تحقيق: جواد قيومي، قم: مؤسسة النشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، بی تا.
- كشف الغمة في معرفة الأئمة، على بن عيسى اربلي، بيروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
- كفاية الاثر، على بن محمد خزّاز قمی، تحقيق: سيد عبد اللطيف كوه كمری، قم: انتشارات بيدار، ۱۴۰۱ق.
- لسان الميزان، ابن حجر، بيروت: مؤسسة الاعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
- مجمع الزوائد، على بن ابی بكر هيثمي، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- مستطرفات السرائر، محمد بن ادريس، لجنة التحقيق، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۱ق.
- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، بيروت: دار الاضواء، بی تا.
- معجم الرجال، سيد ابوالقاسم خويي، بی جا: چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.

- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، تحقیق: لجنة من الأساتذ، نجف: مطبعة الحيدرية، ۱۳۷۶ق.
- ميراث مكتوب، سيد حسين مدرسي، ترجمه: على قرائى ورسول جعفریان، قم: نشر مورخ، ۱۳۸۶ش.
- میزان الاعتدال، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق: على البجاوى، بيروت: دار المعرفة، ۱۳۸۳ق.

